

ادبیات تطبیقی در ایران از لابه‌لای همایش‌ها

ناهید حجازی*

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۳۰

چکیده

یکی از شاخص‌های رشد و بالندگی در هر علمی برگزاری همایش‌های تخصصی در آن علم به خصوص در مجامع دانشگاهی است. نخستین همایش در تاریخ این رشته از پژوهش‌های ادبی یعنی ادبیات تطبیقی به سال ۱۸۷۸ در پاریس باز می‌گردد. در ایران انجمن ادبیات تطبیقی نداریم یا دست‌کم فعال نیست. این حوزه در دانشگاه‌های ایران بیش از هفت دهه (از ۱۳۱۷) سابقه ندارد و از اواخر دهه هفتاد شمسی بود که دانشگاه‌ها همایش‌هایی را در موضوع ادبیات تطبیقی برگزار کردند. مقاله حاضر به آسیب‌شناسی علمی همایش‌های برگزار شده در این رشته می‌پردازد.

کلیدواژگان: ادبیات تطبیقی، همایش‌های ادبیات تطبیقی در ایران، دانشگاه‌ها.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* عضو هیأت علمی گروه ادبیات تطبیقی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی (دانشیار). n.hejazi2010@yahoo.com

مقدمه

سابقه برگزاری همایش در حوزه ادبیات تطبیقی در ایران تقریباً به یک دهه و نیم پیش باز می‌گردد. در دانشگاه‌های ایران تا سال ۱۳۷۹ همایشی برگزار نشده بود و تدریس آن نیز تا قبل از دهه هفتاد اغلب به صورت درس‌های پراکنده و منقطع بوده است.

برگزار نشدن همایش تا پیش از اواخر دهه هفتاد به عوامل مختلف علمی و اجرایی مثل کمبود نیروی متخصص، کتاب و مقاله، فقدان کرسی مستقل یا لاقط درس مستمر در دانشگاه‌ها، و نبود نهاد یا انجمن متولی سیاست‌گذاری و هماهنگی و همکاری‌های علمی و اجرایی لازم باز می‌گردد. فاطمه سیاح که دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه و عالی خود را در مسکو گذرانده بود و در موضوع «آنتول فرانس در ادبیات فرانسه» از پایان‌نامه دکتری خود دفاع کرده بود، نخستین فرد متخصص این رشته بود که در دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۷ کرسی ادبیات تطبیقی را با نام سنجش ادبیات، به مدت نه سال تدریس کرد. «فاطمه سیاح هرچند از زندگی چهل و پنج‌ساله‌اش بیش از چهارده سال مجال نیافت که دانشجویان ایرانی را از درس و دانش خود بهره‌مند کند، اما توانست بنیان‌گذار درس نقد ادبی و ادبیات تطبیقی در دانشگاه ایران باشد» (پارسی‌نژاد: ۱۹۷). وی شاگردی تربیت نکرد و با مرگ او در سال ۱۳۲۶ این کرسی در دانشگاه خالی ماند و برای چند دهه به دست فراموشی سپرده شد. او کتابی نیز نداشت و مقالات منتشره او در برخی از نشریات به صورت کتابی با عنوان «نقد و سیاحت»، به کوشش محمد گلبن در تهران (۱۳۵۴) منتشر شد.

پس از سیاح استادان معدودی آثار ارزشمندی نوشتند و در دانشگاه‌ها به مدت محدودی این درس را تدریس کردند. در سال‌های ۱۳۴۰ در دانشگاه مشهد و ۱۳۴۶ در دانشگاه اصفهان و در ۱۳۴۷ در دانشگاه تهران برای چند دوره محدود درس ادبیات تطبیقی دایر بود. از افراد شاخصی که در این زمان فعال بودند می‌توان به شخصیت‌های ذیل اشاره کرد: جواد حدیدی، استاد درس ادبیات تطبیقی در مشهد (۱۳۴۰) و صاحب کتاب‌های بااهمیت در این حوزه هم‌چون «اسلام از نظر ولتر» (چاپ فرانسه: ۱۹۷۴)، «ایران در ادبیات فرانسه» (مشهد، دانشگاه مشهد: ۱۳۴۶)، «از سعدی تا آراگون» (تهران،

مرکز نشر دانشگاهی: ۱۳۷۳)؛ حسن هنرمندی، استاد این درس در دانشگاه تهران (۱۳۴۷) و صاحب کتاب‌های ارزشمند «آندره ژید و ادبیات فارسی» (تهران، زوآر: ۱۳۴۹)، «سفری در رکاب اندیشه»، «از جامی تا آراگون» (تهران، زوآر: ۱۳۵۱)؛ ابوالحسن نجفی استاد این درس در دانشگاه اصفهان (۱۳۴۶). مقاله وزین وی در ماهنامه «آموزش و پرورش» با عنوان «ادبیات تطبیقی چیست؟» (۱۳۵۱) است؛ محمدعلی اسلامی ندوشن، با آثاری چون «جام جهان‌بین» (نشر ایران‌مهر: ۱۳۴۵)، «آواها و ایماها» (تهران، نشر قطره: ۱۳۵۴).

تدریس ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های ایران توسط اشخاصی که در مقاطع عالی رشته ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های خارج از کشور تحصیل و پژوهش کرده بودند و به ایران بازگشته بودند، و هم‌چنین تألیف و ترجمه برخی کتاب‌ها تا حدی روشن می‌سازد که محققان ادبیات تطبیقی ما در ایران به ادبیات‌ها و فرهنگ‌های ملل مختلف با دید تطبیقی می‌نگرند. این شاخه علمی از اواخر دهه هفتاد در چندین دانشگاه مورد توجه و استقبال قرار گرفت و همایش‌هایی در زمینه آن برگزار شد. ادبیات تطبیقی به عنوان گرایشی از یکی از رشته‌های زبان و ادبیات عربی و فرانسوی و به‌خصوص فارسی مطرح شد و کتاب‌ها و مجلات تخصصی‌ای در حوزه آن به چاپ رسید و برگزاری همایش‌ها که آرام آرام به شکلی منقطع و پراکنده آغاز شده بود، گسترده‌تر شد. آنچه در ادامه می‌آید نتایجی است که بر اساس ترتیب زمانی برگزاری و عناوین و محورها و موضوعات کلی مقالات این همایش‌ها گرفته شده است.

نخستین دهه ادبیات تطبیقی در همایش‌ها از سال ۱۳۷۹

در این دهه از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ در مجموع سه همایش در دانشگاه تهران و یک همایش در دانشگاه فردوسی مشهد برگزار شد. برای همایش نخستین (۱۳۷۹) در دانشگاه تهران عنوان و محوری معرفی نشد. دوازده مقاله به فارسی، به همراه چکیده‌های آن‌ها به فرانسوی یا انگلیسی، به چاپ رسیده است. موضوع مقالات اکثراً تطبیق بین ادبیات فارسی با ادبیات کشورهای اروپایی مثل ایتالیا و آلمان و به‌خصوص فرانسه و یک مقاله هم به مقایسه ادبیات فارسی با ادبیات روسیه پرداخته است.

نخستین مقاله سخنرانی جواد حدیدی است به نام «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی». وی پس از بیان تاریخچه مختصری درباره پیدایش ادبیات تطبیقی در فرانسه، به مبنای ادبیات تطبیقی و روش مقایسه می‌پردازد و می‌نویسد:

«صرف وجود مشابهت میان آثار دو نویسنده دلیل بر تأثیر و تأثر نیست، زیرا مرز مشخصی میان تأثیرپذیری و توارد ذهنی و فکری وجود ندارد، بلکه باید ثابت شود که نویسنده تأثیرپذیر، آثار نویسنده دیگر را خوانده و از آن بهره‌مند شده است» (حدیدی: ۵).

وی سپس با آوردن مثال‌هایی، از طریق روش اثباتی، نشان می‌دهد که کار تطبیق چگونه باید انجام شود:

«متوجه شدم مشابهت عجیبی میان آنچه ما آن را سبک هندی می‌نامیم از یک سو، و سبک مشحون از صنایع لفظی متداول در فرانسه نیمه اول قرن هفدهم، معروف به «*préciosité*» از سوی دیگر، وجود دارد؛ پس در پی تحقیق برآمدم و معلوم شد که فرانسویان خود این سبک را از اسپانیا گرفته بودند ... سپس این شیوه روانه ایتالیا و فرانسه و انگلستان شد. در ایتالیا *مارینی* از آن پیروی کرد و *مارینیسم* را پدید آورد، در انگلستان *جان لیلی* در رمان «*Euphues*» بدان پرداخت و نام *Euphuisme* بدان بخشید» (همان).

نویسندگان معمولاً در مقالات خود به آثار تطبیق‌گران فرانسوی تقریباً تا سده ۱۹۸۰ رجوع داده‌اند. دبیر همایش، *ایلمیرا/دادور*، در سرمقاله به نوپایی این شاخه و ضرورت ریشه‌یابی ادبیات تطبیقی و آشنایی با شیوه‌های نوین پژوهش در حوزه ادبیات اشاره کرده است (دادور: ۲). برخی از مقالات درباره نظریه‌ها و روش تطبیقی در ادبیات فرانسه است که این موضوعات را تحلیل و درباره آن‌ها بحث کرده‌اند؛ مثل مقاله حدیدی که به آن اشاره شد یا مقاله «ادبیات تطبیقی از الف تا ی» (الله شکر/سداللهی). برخی از مقالات نیز با تطبیق مفاهیم و مضمون‌ها در ادبیات فارسی و اکثراً فرانسوی و گاه ادبیات عرب، بر اساس مکتب فرانسه، به تحلیل پرداخته‌اند؛ مانند «مفاهیم شرقی در آثار ژان ماری گوستاو لوکله زیو» (*ایلمیرا/دادور*)، «پنجره از نگاه بودلر و سپهری» (حمیدرضا شعیری)، «سفر از دیدگاه منوچهری و متنّبی» (زهرا ریاحی زمین). مقالات این همایش در نشریه پژوهشی دانشکده زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، در تابستان و بهار ۱۳۷۹ به چاپ رسید.

دومین همایش که در سال ۱۳۸۱ برگزار شد دارای محوری است با عنوان «سفر از منظر ادبیات». گلناز حامدی، دبیر همایش، درباره هدف این همایش می‌نویسد:

«سفر یکی از مهم‌ترین ابزارهای شناخت فرهنگ و ادبیات ملل مختلف است و اهمیت بسزایی در تبادل گفت‌وگو و تفاهم میان فرهنگ‌ها و ملل، و رشد و شکوفایی ادبیات ملل مختلف دارد. ریشه‌یابی این تأثیر و تأثر و نقش جایگاه سفر در این تبادل یکی از اهداف این همایش به شمار می‌رود» (حامدی: ۶).

از مجموع مقالات ارسالی، ۳۰ مقاله به صورت سخنرانی و سه مقاله به صورت اعلان (پوستر) ارائه شد و نوزده مقاله (دوازده مقاله به زبان فارسی و هفت مقاله به زبان‌های انگلیسی و فرانسوی) به صورت مجموعه مقالاتی با عنوان «سفر از منظر ادبیات جهان» در سال ۱۳۸۲ به چاپ رسید. مقالات درباره مباحث نظری و عناصر مضمونی سفر در ادبیات تطبیقی، مثل توجه به غیر، نیز انواع سفر و سفرنامه بحث کرده‌اند: «نگاه پی‌یر لوتی به مشرق‌زمین» (الله‌شکر اسداللهی)، «ایران و ایرانی از دیدگاه سفرنامه‌نویسان فرانسوی» (شہلا حائری)، «سفر و مباحث نظری آن در ادبیات تطبیقی» (محمدحسین جواری)، «نگرشی اجمالی بر سفرهای ادیسه و مرغان منطق‌الطیر» (زرین واردی).

اسداللهی در مقاله «نگاه پی‌یر لوتی به مشرق‌زمین»، با آوردن نقل‌قول‌هایی از برخی از آثار لوتی که درباره سفرهای وی به مشرق‌زمین، به خصوص کشورهای مسلمان است، دیدگاه‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی و ادبی را نشان می‌دهد.

در آثار پی‌یر لوتی تضاد بین دو جریان فرهنگی و اجتماعی و به‌ویژه باورها و منش‌ها، آشکارا به چشم می‌خورد و این تغایر و تقابل بین دو جامعه غربی و شرقی درونمایه آثار او را تشکیل می‌دهد (اسداللهی، ۱۳۸۲: ۱۴).

جواری در مقاله «سفر و مباحث نظری آن در ادبیات تطبیقی»، پس از بیان تاریخچه‌ای از سفر، گزارش سفر را شهادت‌نامه مسافر یا جهانگرد می‌داند. به عقیده او مطالعه آن توسط تطبیق‌گر سفری بازنویسی شده است از تبادل بین فضایی بیگانه و انتخاب شکل نوشتاری که محتوایی فرهنگی دارد:

«گذر از مکان‌های بیگانه، جست‌وجوی پرشور و شوق تفکر ملل دیگر، رفت‌وآمد در کتابخانه‌ها، شناسایی روابط جدید بین ادبیات و دیگر قلمروها، از تطبیق‌گر مسافر یگانه‌ای می‌سازد (homo Viator). هر تطبیق‌گر می‌خواهد از ورای قلمرو ادبیات مسیرهای جدید و عوالم جدید را پیشنهاد کند؛ بنابراین، تطبیق‌گر خود یک مسافر

است و با حرکت به سرزمین‌ها و منظرهای جدید، مسیر ارتباطات و ابزار فهم روشنفکرانه آن‌ها را مهیا می‌سازد» (جواری، ۱۳۸۲: ۹۱).

در این همایش مقالاتی درباره انواع سفر، مثل سفرهای تمثیلی در ادبیات عرفانی، سفرنامه، روایت‌های مختلف از یک سفر، و موضوع یک سفر از دیدگاه دو شاعر با دو زبان و فرهنگ متفاوت ارائه شد. ارجاعات، علاوه بر کتب فارسی و عربی، به آثار تطبیق‌گران اروپایی و به‌خصوص آثار تطبیق‌گران فرانسوی تا اواخر دهه هشتاد قرن بیستم است. سومین همایش در سال ۱۳۸۳ با عنوان «اسطوره و ادبیات» برگزار شد. ژاله کهنمویی‌پور، دبیر همایش، می‌نویسد:

«اسطوره، به‌عنوان گونه‌ای از فرهنگ عامه، پیش از ظهور ادبیات پدید آمده و با ادبیات ملت‌ها ارتباط تنگاتنگ پیدا کرده است ... در یک متن ادبی ردیابی اسطوره از طریق جست‌وجوی مجموعه تصاویر نمادین صورت می‌گیرد که به شیوه‌های مختلف در متن متجلی می‌شوند و قملرو این تصاویر بس وسیع است. بررسی حضور اسطوره در ادبیات از اهداف عمده این همایش است» (کهنمویی‌پور: ۲).

پاینده در مقاله «اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی: تبیین یونگ از شکل‌گیری اسطوره‌های مدرن»، نتیجه می‌گیرد:

«در رهیافت یونگ به اسطوره، دنیای درون روانی انسان ارتباطی ناگسستنی با اسطوره‌های اجتماعی و فرهنگ دارد. به عبارتی، مطالعه درباره اسطوره، تفحصی در سازوکار حیات روانی انسان و نوع مطالعه فرهنگی در خصوص باورهای عمومی و خاستگاه ناپیدای این باورها تلقی می‌شود» (۳۸).

جواری (۴۱) توضیح می‌دهد که اسطوره‌شناسی شاخه‌ای از مطالعات ادبیات تطبیقی است و از سه جهت اهمیت دارد: الف) این نوع مطالعات به ما امکان می‌دهند تا ادبیات را تکیه‌گاه اسطوره‌ها قرار دهیم؛ ب) این نوع مطالعات به ما امکان می‌دهند تا توانمندی خاص ادبیات را در پرداختن به اسطوره بررسی کنیم؛ ج) هم‌چنین به ما امکان می‌دهند تا به حد و مرزهای تفکر اسطوره‌ای پی ببریم.

مقالات این مجموعه به مطالعه تطبیقی متون یا نظریه‌ها و تجزیه و تحلیل آن‌ها، با توجه به عناصر مهم در اسطوره‌شناسی مثل مکان و زمان و فرهنگ، پرداخته است. «اسطوره و ادبیات» شامل ۲۱ مقاله فارسی و چهار مقاله انگلیسی و فرانسوی است که انتشارات سمت آن را دو بار، در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ چاپ کرده است. منابع مورد

استفاده نویسندگان تطبیق‌گران فرانسوی، اروپایی و امریکایی نسل اول و نسل دوم، یا به عبارت دیگر تطبیق‌گران تا پیش از شروع قرن بیستم هستند.

در سال ۱۳۸۸ نخستین همایش بین‌المللی ادبیات تطبیقی دانشگاه فردوسی مشهد، با همکاری دانشگاه لبنان، در لبنان برگزار شد. مقالات این همایش به فارسی و عربی در مجله «الدراسات الأدبیه» شماره‌های ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ به چاپ رسید. از بیست مقاله چاپ‌شده هفت مقاله به زبان عربی است. محوری برای این همایش معرفی نشده بود. خلیل ابوجهجه، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه لبنان، در مقدمه عربی مجموعه مقالات می‌نویسد که برگزاری این همایش فرصت مناسبی فراهم می‌کند تا از وسعت تبادل و همکاری بسیار قدیمی ادبی و فرهنگی بین دو کشور برای ایرانیان و لبنانی‌ها و جهانیان پرده برداشته شود و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان همکاری بین ادبیات‌ها و تأثیر و تأثر مستقیم یا غیرمستقیم آن‌ها را بر هم نادیده گرفت. وی با برشمردن چهار ویژگی برای مکتب فرانسوی، یعنی توجه به مبدأ زمان و مکان، مبدأ تاریخی، مبدأ رشد و پیدایش ارتباط ادبی و مبدأ حقایق تاریخی موثق بین دو اثر ادبی، به سه مزیت مکتب امریکایی نسبت به مکتب فرانسوی اشاره می‌کند و با ذکر یک انتقاد از آن، می‌نویسد:

«مکتب امریکایی مرزهای تنگ زبانی و سیاسی را می‌گشاید و ادبیات یک کشور را محصول ملت و دولتی خاص نمی‌داند. هم‌چنین کار مکتب امریکایی پژوهش درباره پیوند بین ادبیات و دیگر عرصه‌های شناخت و علوم است. مقوله اخلاق در این مکتب رعایت می‌شود؛ بدین معنا که می‌کوشد حق هر فرهنگ و ادبیات بیگانه را ادا کند و هرگونه فاصله‌گذاری بین ادبیات ملل را رد می‌کند. با اینکه در این مکتب بر ادبیت و ادبیات تأکید می‌شود، روش این مکتب گاهی چنین تفسیر می‌شود که نوعی نگاه استعماری در آن است و می‌خواهد جهان را به‌صورت روستایی کوچک درآورد که در آن برای اهداف ملی جایی نیست» (ابوجهجه ۷-۱۵).

وی در پایان، در بحث از وظیفه تطبیق‌گر ایرانی و لبنانی، به این نکته اشاره می‌کند که شاید مکتب‌های دیگری هم در عرصه ادبیات تطبیقی وجود داشته باشد، اما ما باید نقش خود را در عرصه این علم در نظر بگیریم و ببینیم چه مکتبی داریم، دیدگاه خاص ما در آفرینش‌های هنری و ادبی و فکری چیست؟ آیا مجازیم در هر چیزی دنباله‌رو دیگران باشیم؟ آیا ناقدان ما نباید راهی در پیش گیرند که اصالت ما را اثبات کند و ویژگی و خصوصیات ما را نشان دهد (همان).

موضوع بیش تر مقالات بررسی و تطبیق اشعار یکی از شاعران ایرانی با یکی از شاعران یا نثرنویسان عرب، بر اساس ویژگی‌های مکتب فرانسه است. برای مثال «رمانتیسیم در آثار جبران خلیل جبران و سهراب سپهری»، «مطالعه تطبیقی اشعار غادة السمان و فروغ فرخزاد»، «بررسی رگه‌های رمانتیسیم در "افسانه" نیما یوشیج و "المساء" خلیل مطران»، «مقایسه شاهنامه فردوسی و ترجمه عربی بنداری»، «الملمعات فی الشعر الفارسی». منابع مورد استفاده مقالات بیش تر از تطبیق‌گران عرب مثل عبدالسلام کفافی، طه ندا، غنیمی هلال و دیگران است و ارجاع به نظریات تطبیق‌گران غربی از طریق آثار آن‌ها بوده است.

دومین دهه همایش‌های ادبیات تطبیقی

در اوایل دهه نود دانشگاه شهید بهشتی دو همایش را برگزار کرد که همایش اول، در مقایسه با همایش دوم، هم در محورهای کلی همایش و هم از نظر شمار دست‌اندرکاران علمی و اجرایی، گسترده‌تر بود.

در نخستین همایش خانه هنرمندان ایران و انجمن ادبیات تطبیقی و مرکز نشر دانشگاهی، در برگزاری همایش دانشگاه شهید بهشتی را مساعدت کردند. در این همایش بر موضوعی خاص تمرکز نشده و کوشیده شده بود تا به کلیات ادبیات تطبیقی مانند نظریه‌ها و رویکردها و تاریخچه و برخی از مسائل مهم مانند ترجمه‌شناسی و ادبیات تطبیقی در برخی کشورها پرداخته شود. حاصل این همایش چاپ ۱۸ مقاله در سال ۱۳۹۲ در «مجموعه مقالات همایش ادبیات تطبیقی؛ چشم‌اندازهای ادبیات تطبیقی در دهه کنونی» (۲۴ خرداد ۱۳۹۱)، به کوشش بهمن نامور مطلق بود. موضوعات مقالات به تصویرشناسی و روابط بین‌فرهنگی، رویکردهای نقد در ادبیات تطبیقی، تحلیل آرای برخی تطبیق‌گران معاصر مثل اسپیواک، ترجمه‌پژوهی در ادبیات تطبیقی و ادبیات ترجمه در ادبیات تطبیقی است.

بیش تر مقالات این مجموعه بر اساس نظریات تطبیق‌گران فرانسوی یا اروپایی و با رویکردهای جدید آنان نگاشته شده است. به گزیده‌ای از دو مقاله «ادبیات تطبیقی و رویکردهای نقد»، نوشته بهمن نامور مطلق و «هایکو و چگونگی دریافت آن در شعر

مدرن؛ نگاهی تطبیقی به اشعار احمد شاملو و فیلیپ ژاکوته»، به قلم وجیهه زارعی اشاره می‌شود. در مقاله نخست نویسنده بعد از بیان جایگاه و اهمیت و میزان و نحوه کاربرد رویکردهای نقد، روش نقد و مطالعه آن را به عنوان عنصری پویا در ادبیات تطبیقی، به خصوص در مکتب فرانسه، بررسی می‌کند. وی توضیح می‌دهد که نسل اول محققان ادبیات تطبیقی مثل پل وان تیگیم و گی یار و پیشوا و روسو به نقد به عنوان رویکردی مشخص و روشمند توجه نداشته‌اند. اما نسل دوم محققان، از جمله پی‌یر برونل و ایو شوورل، به رویکردهای اسطوره‌شناختی، دریافت، جامعه‌شناختی، مضمون‌شناختی و بینامتنیت توجه می‌کنند.

در مقاله دوم با عنوان «هایکو و چگونگی دریافت آن در شعر مدرن»، نویسنده بعد از روشن ساختن ویژگی‌های هایکو، شعر ژاپنی، با آوردن نمونه‌هایی از اشعار فیلیپ ژاکوته و شاملو، نشان می‌دهد که چگونه هایکو در دو زبان و ادبیات مختلف دریافت می‌شود. وی در انطباق روش خود در این مقاله با مکتب فرانسه چنین می‌نویسد:

«حمد شاملو و فیلیپ ژاکوته به طور مستقیم و بی‌واسطه با هایکو ارتباط یافته‌اند و تلاش‌هایی برای ترجمه هایکو به زبان خویش نموده‌اند؛ تلاش‌هایی که منجر به تأثیرپذیری اشعارشان از این گونه شعری موجز و گویا شده است. در ادبیات تطبیقی و خصوصاً در مکتب فرانسوی آن بحث تأثیرپذیری جایگاه ویژه دارد» (زارعی: ۲۴۴-۲۴۵). در این مطالعه به سه زبان مختلف ژاپنی و فارسی و فرانسوی توجه می‌شود و درحقیقت، چگونگی دریافت یک گونه شعری متعلق به زبان ژاپنی در ادبیات فارسی (اشعار شاملو) و در ادبیات فرانسه (اشعار ژاکوته) از یک طرف، و تأثیر هایکو بر شاعران معاصر چون ژاکوته و شاملو از طرف دیگر، مورد بررسی قرار می‌گیرد. دومین همایش یک‌روزه دانشگاه شهید بهشتی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۳ برگزار شد. این همایش، برخلاف همایش قبلی که بر موضوعی ویژه متمرکز نبود، محوری تخصصی با عنوان «ادبیات تطبیقی و بینارشته‌ای با تکیه بر ارتباط ادبیات با فلسفه» داشت. دکتر نامور مطلق در مقدمه «چکیده مقالات» (۲-۳) این همایش درباره ضرورت پیوند ادبیات با فلسفه می‌نویسد:

«یکی از دانش‌هایی که پیوند دوباره آن با ادبیات ضروری می‌نماید، فلسفه است. برای اینکه ادبیات، به‌ویژه ادبیات فارسی، بتواند به مبانی اصیل خویش بازگردد لازم است

دست کم بخشی از آن با فلسفه گفت‌وگو داشته باشد. در گذشته ادبیات فارسی محمل فلسفه بوده است، همان طوری که محمل عرفان و برخی از علوم بود. اما گسست میان فلسفه و ادبیات موجب تهی شدن بخش مهمی از مفاهیم عمیق ادبی و نازا شدن آن بخش شده است. روزگاری بسیاری از شاعران ما حکیم بوده‌اند و حکمت و یا فلسفه با زبان ادبی منتقل می‌شد؛ از این رو سرشت حکمت و حتی بخش گسترده‌ای از فلسفه ایرانی از این جهت متمایز می‌شود. این فقط منحصر به فرهنگ ایرانی نبود و در هر دوره‌ای که ادبیات شکوفایی داشته یکی از دلایل آن پیوند با فلسفه یا حکمت است. همین انگیزه موجب شد تا این همایش محور ویژه خویش را ارتباط ادبیات و فلسفه انتخاب کرده است.

با وجود اعلام محور این همایش مبنی بر ارتباط ادبیات تطبیقی با فلسفه، از ۳۰ مقاله‌ای که به همایش ارائه شد تنها ۶ مقاله درباره ارتباط ادبیات تطبیقی با فلسفه بود. این مقالات عبارت بودند از: «خانه: پیوند معماری، ادبیات و فلسفه» (تیر طهوری)، «زبان نیچه در آثار فلسفی او و تأثیر آن بر ادبیات آلمان در دو دهه نخست قرن بیستم» (سعید فیروزآبادی)، «پیوند ادبیات و فلسفه در اندیشه معاصر» (هادی نظری منظم)، «وضعیت فلسفه در یک رمان کلاسیک تاریخی / سیاسی: سنوفون» (ثربیت کوروش)، «کتاب اول» (مصطفی یونسی). مقالات این همایش به زودی چاپ خواهد شد و در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

توجه پژوهشگران ایرانی به اهمیت روزافزون ادبیات تطبیقی سبب شده است که همایش‌های بسیاری در ایران برگزار شود، که متأسفانه اکثر مقالات آن‌ها ارتباطی با ادبیات تطبیقی و روش‌های آن ندارد و در حوزه نقد ادبی یا دیگر حوزه‌ها می‌گنجد و تنها یکی از محورهای آن به ادبیات تطبیقی نزدیک می‌شود. برای نمونه به یکی از این دست همایش‌ها اشاره می‌شود: نخستین همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۱ با همکاری انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی برگزار شد. عنوان همایش عبارت بود از «تأثیر اقتباس و تعامل متقابل دو زبان (فارسی و عربی) بر یکدیگر»، با محورهای مختلفی که بیش‌تر با واژه و واژه‌نامه‌ها و دستور زبان، نگارش و خط، تأثیر قرآن و حدیث و نهج‌البلاغه... مرتبط بودند. این همایش یک‌روزه ۱۱۱ مقاله را در دو جلد به نام «مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات تطبیقی» به چاپ رسانده است.

نتیجه بحث

برگزاری این همایش‌ها حاکی از رشد و گسترش مطالعات و پژوهش‌ها در حوزه ادبیات تطبیقی در ایران و نزد محققان تطبیق‌گر در این حوزه، و موضوعات مورد مطالعه آن‌هاست. بررسی این همایش‌ها نشان می‌دهد که محورهای و مقالات آن‌ها از معرفی و تحلیل اصول و نظریه‌های کلی نزد محققان ادبیات تطبیقی اروپایی، به خصوص نسل اول محققان مکتب فرانسه، به سمت نظریه‌های مشخص‌تر و جدیدتر در ادبیات تطبیقی، چه در مکتب فرانسه و چه در مکتب امریکایی و حتی نظریه‌های مشترکی که هر دو مکتب را به هم پیوند می‌دهد، رفته است. لازم است محققان به آسیب‌هایی که ممکن است به ادبیات تطبیقی وارد شود توجه کنند. «بدفهمی ماهیت و کارکردهای ادبیات تطبیقی، عدم آشنایی با بافت فرهنگی اجتماعی تحولات نظری ادبیات تطبیقی، شتاب‌زدگی و رشد ناگهانی ادبیات تطبیقی از آسیب‌های جدی این حوزه است» (انوشیروانی: ۳۵).

بی‌تردید اغلب پژوهشگران جوان و دانشجویان در این حوزه با نظریه‌های ادبیات تطبیقی آشنایی کافی ندارند و پژوهش‌های آنان فاقد روش و اصول علمی است. کمبود نیروی متخصص و ورود غیرمتخصصان به این حوزه، فقدان انجمن علمی فعال، عدم همکاری نظام‌مند و هماهنگ فعالیت‌های علمی محققان و تطبیق‌گران دانشگاهی با سایر همکاران خود در دیگر مراکز، در داخل و خارج از کشور، از آسیب‌های جدی در مطالعات علمی و فعالیت‌های اجرایی در این حوزه است که علاوه بر توجه به آن‌ها، بایستی راه‌حلی برای آن اندیشید و بدان جامه عمل پوشاند.

کتابنامه

- اسداللهی، الله شکر. بهار و تابستان پیاپی ۸، ۱۳۷۹، «ادبیات تطبیقی از الف تا ی»، پژوهش زبان‌های خارجی (مجموعه مقالات نخستین همایش ادبیات تطبیقی در ایران)، دانشگاه تهران: صص ۳۱-۳۹.
- اسداللهی، الله شکر. ۱۳۸۲، «نگاه پی‌یر لوتی به مشرق‌زمین»، سفر از منظر ادبیات (مجموعه مقالات دومین همایش ادبیات تطبیقی در ایران). تهران: دانشگاه تهران: صص ۱۳-۲۳.
- انوشیروانی، علی‌رضا. «آسیب‌شناسی ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان. ۲/۱ (پاییز ۱۳۸۹): صص ۳۲-۵۵.
- پارسی‌نژاد، ایرج. ۱۳۸۹، فاطمه سیاح و نقد ادبی، تهران: سخن.
- پاینده، حسین. ۱۳۸۴، «اسطوره‌شناسی و مطالعات فرهنگی: تبیین یونگ از شکل‌گیری اسطوره‌های مدرن»، اسطوره و ادبیات (مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش ادبیات تطبیقی [۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳]). چ ۲. تهران: سمت: صص ۳۱-۳۹.
- جواری، محمدحسین. ۱۳۸۲، «سفر و مباحث نظری آن در ادبیات تطبیقی»، سفر از منظر ادبیات (مجموعه مقالات دومین همایش ادبیات تطبیقی در ایران). تهران: دانشگاه تهران: صص ۸۱-۹۱.
- جواری، محمدحسین. «اسطوره در ادبیات تطبیقی»، ۱۳۸۴، اسطوره و ادبیات (مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش ادبیات تطبیقی [۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳]). چ ۲. تهران: سمت: صص ۴۰-۵۱.
- حامدی، گلناز. ۱۳۸۲، «مقدمه»، سفر از منظر ادبیات جهان (همایش دوسالانه ادبیات تطبیقی)، تهران: دانشگاه تهران: صص ۵-۷.
- حدیدی، جواد. بهار و تابستان ۱۳۷۹، «شیوه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی»، پژوهش زبان‌های خارجی (مجموعه مقالات نخستین همایش ادبیات تطبیقی در ایران)، دانشگاه تهران: ش ۸: صص ۴-۱۱.
- زارعی، وجیهه. ۱۳۹۳، «هایکو و چگونگی دریافت آن در شعر مدرن؛ نگاهی تطبیقی به اشعار احمد شاملو و فیلیپ ژاکوته»، ادبیات تطبیقی در دهه کنونی و چشم‌اندازهای آن (مجموعه مقالات همایش ادبیات تطبیقی، چشم‌اندازهای ادبیات تطبیقی در دهه کنونی - ۲۴ خرداد ۱۳۹۱). تهران: دانشگاه شهید بهشتی: صص ۲۳۳-۲۴۵.
- دادور، ایلمیرا. بهار و تابستان ۱۳۷۹، «سرمقاله»، پژوهش زبان‌های خارجی (مجموعه مقالات نخستین همایش ادبیات تطبیقی در ایران). ش ۸: صص ۲-۳.
- ابوجهجه، خلیل. تابستان - زمستان ۱۳۸۸. «کلمة الدكتور خلیل ابوجهجه»، الدراسات الادبیه: مجموعه ادبیات و زبان‌ها (فصلنامه مرکز زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لبنان، بیروت). ش ۶۷-۶۸-۶۹: ۷-۱۴.

کهنمویی پور، ژاله. ۱۳۸۴. «پیشگفتار»، اسطوره و ادبیات (مجموعه مقالات برگزیده سومین همایش ادبیات تطبیقی [۲۳ و ۲۴ اردیبهشت ۱۳۸۳]). ج ۲. تهران: سمت: صص ۱-۳.

نامور مطلق، بهمن. ۱۳۹۳، «ادبیات تطبیقی و رویکرد نقد»، ادبیات تطبیقی در دهه کنونی و چشم‌اندازهای آن (مجموعه مقالات همایش ادبیات تطبیقی، چشم‌اندازهای ادبیات تطبیقی در دهه کنونی - ۲۴ خرداد ۱۳۹۱). تهران: دانشگاه شهید بهشتی: صص ۲۹-۳۸.

نامور مطلق، بهمن. «مقدمه»، چکیده مقالات دومین همایش ادبیات تطبیقی و بینارشته‌ای (ادبیات - فلسفه). تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳: صص ۲-۳.

